

بسمه تعالی

موضوع: چشم انداز آسیب ها و تهدیدات اجتماعی ایران^۱

سخنران: جناب آقای دکتر صالحی

تهیه و تنظیم: کمیته علمی پژوهشی موسسه ی رحمان

جوامع در حال گذار جوامعی هستند که به دلیل تغییرات متنوع و متعدد معمولاً با تضادهای مختلف در ساختارها و زیر ساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجهند. عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیر مادی فرهنگ در این جوامع، موانع و مشکلاتی را در سازگاری اجتماعی به وجود آورده است. در چنین جوامعی افراد به سختی و به زحمت می‌توانند خود را با محیط سازگار و با تغییرات و دگرگونی‌های تازه و سریع همراه کنند.

لذا از این حیث دارای تأخرهای فرهنگی، بی‌هنجاری و ناهنجاری، کشاکش‌های مختلف اجتماعی، از خودبیگانگی و در سطحی وسیع‌تر، بی‌سازمانی و از هم‌گسیختگی اجتماعی هستند. این بی‌نظمی‌ها و بی‌سازمانی‌ها منجر به عدم تعادل و ثبات اجتماعی در مقاطع مختلف زمانی و افزایش آسیب‌پذیری‌ها و تحمیل بحران‌های مختلف اجتماعی شده است که در صورت عدم توجه و برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند نه تنها امنیت ملی - اجتماعی که امنیت وجودی و هستی‌شناختی آنها را با تهدیدی جدی مواجه کند.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه و گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم از این قاعده مستثنی نبوده و با تغییرات و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختارهای اصلی خود بخصوص ساختار فرهنگی و اجتماعی مواجه بوده است. در نتیجه این تغییرات شتاب‌آلود و تأخر ساختاری موجود در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی متنوعی بر جامعه ایران تحمیل شده است. به طوری که طبق گزارشات سازمان بهزیستی کشور طی سال‌های اخیر به طور متوسط هر سال ۱۵ درصد رشد آسیب‌های اجتماعی در کشور را داشته‌ایم. آسیب‌ها و تهدیداتی از قبیل بیکاری، بحران هویت، فرسایش سرمایه اجتماعی، خودکشی، افزایش جرایم جنسی و روسپیگری، دختران فراری، کودکان خیابانی، فرار مغزها، فقر، شکاف طبقاتی، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی، فساد مالی و اداری، رشوه و ارتشا، قاچاق انسان، خشونت علیه زنان، طلاق، اعتیاد، تمایز نسلی، مهاجرت روستا به شهر و حاشیه نشینی و ...

از آنجا که میزان پیشرفت و توسعه هر کشوری در سایه امنیت و ثبات اجتماعی حاصل می‌شود لذا شناخت تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های اجتماعی ایران و بررسی روند و ابعاد مختلف آن، چگونگی تحول و اولویت‌بندی آنها در

^۱ - این مقاله حاصل پژوهشی است که زیر نظر آقای دکتر سید رضا صالحی، طی مدت دو سال توسط آقای دکتر رضا فاضل و خانم الهام آشتیانی به انجام رسیده است.

زمان حال و آینده نه تنها راه را برای برنامه‌ریزی‌های ملی هموار کرده بلکه موجب می‌شود تا اقدامات استراتژیک به موقع و تصمیم‌گیری‌های صحیحی قبل از به وقوع پیوستن هرگونه بحران اتخاذ و تعامل و امنیت ملی و ثبات اجتماعی تا حد امکان حفظ شود.

چنانچه بپذیریم ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه با مختصات فرهنگ خاص خود نیاز به نظم و تعادل و حفظ امنیت ملی و موجودیت هستی شناختی خود دارد، شناخت و اولویت‌بندی تهدیدات و آسیب پذیری‌های اجتماعی دهه آتی ایران نه تنها بسترهای مناسبی برای مواجهه اصولی و بنیادین با بحران‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد؛ بلکه از اتلاف منابع مالی و انسانی جلوگیری کرده و زمینه را برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی‌های حال و آینده با استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای بلندمدت فراهم می‌نماید.

به طور کلی در جامعه شناسی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی سه دیدگاه عمده وجود دارد:

۱- دیدگاه کارکردگرایی ساختی

۲- دیدگاه کشمکش

۳- دیدگاه کنش متقابل نمادین

بر اساس دیدگاه کارکردگرایی، جامعه سیستمی از بخش‌های مرتبط است که هماهنگ با یکدیگر در جهت حفظ و تعادل و توازن اجتماعی کار می‌کنند. از منظر این دیدگاه هر یک از نهادهای اجتماعی نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند و بر نهادهای دیگر تأثیر می‌گذارند.

کارکردگرایان ساختی برای تعریف تأثیرات عناصر اجتماعی بر جامعه اصطلاحات کارکردی و کژکارکردی را به کار می‌برند. اگر عناصر اجتماعی به ثبات جامعه کمک کنند کارکردی و اگر ثبات جامعه را مختل کنند کژکارکردی هستند.

دو نظریه عمده مسائل آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی از دیدگاه کارکردگرایی ساختی نتیجه می‌شود.

۱- آسیب شناختی اجتماعی

۲- بی‌سازمانی اجتماعی

بر اساس مدل آسیب شناسی اجتماعی مسائل اجتماعی نتیجه نوعی بیماری در جامعه است. اگر بخش‌هایی از جامعه‌ای از جمله عناصر ساختاری و فرهنگی درست عمل نکنند بیماری حاصل خواهد شد. به عنوان مثال جرم، خشونت، فقر و نابرابری از فروپاشی نهاد خانواده و بی‌کفایتی در نهادهای اقتصادی، آموزشی و سیاسی حاصل می‌شود.

این نظریه بیان می‌دارد بیماری اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که افراد جامعه آنقدر جامعه‌پذیر نشده‌اند که هنجارها و ارزش‌های جامعه را بپذیرند. لذا برای پیشگیری از مسائل اجتماعی و حل آنها افراد باید به درستی جامعه‌پذیر شوند و آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی مناسبی را دریافت کنند.

در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی تأکید می‌شود که تغییرات سریع اجتماعی هنجارهای جامعه را دچار اختلال می‌کند. وقتی هنجارها ضعیف یا با یکدیگر در تعارض باشند، جامعه در وضعیت بی‌سامانی یا بی‌هنجاری قرار می‌گیرد. بر

اساس این نظریه راه حل مسائل اجتماعی کم کردن سرعت تحولات اجتماعی و قوت بخشیدن به هنجارهای اجتماعی است.

دیدگاه کشمکش برخلاف دیدگاه کارکردگرایی ساختی که جامعه را متشکل از بخش‌های مختلف می‌بیند، جامعه را به صورت گروه‌ها و منافع مختلفی می‌بیند که برای دستیابی به قدرت و منابع با هم رقابت می‌کنند. دو نظریه عمده در دیدگاه کشمکش وجود دارد:

۱- مارکسیستی

۲- غیرمارکسیستی

نظریات مارکسیستی بر کشمکش اجتماعی ناشی از نابرابری اقتصادی تمرکز دارند و مسائل اجتماعی را نتیجه اختلاف طبقاتی، نابرابری‌های اجتماعی و احساس بی‌عدالتی می‌دانند و معتقدند بسیاری از آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی با فقر در ارتباط است. این نظریه همچنین بر از خودبیگانگی یا ضعف و بی‌معنایی در زندگی مردم تمرکز دارد و مسائل اجتماعی را نتیجه اختلاف طبقاتی، نابرابری‌های اجتماعی و احساس بی‌عدالتی می‌داند و معتقد است بسیاری از آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی با فقر در ارتباط است. این نظریه همچنین بر از خود بیگانگی یا ضعف و بی‌معنایی مردم تمرکز دارد.

نظریات غیرمارکسیستی بر کشمکش‌های اجتماعی ناشی از رقابت بر سر ارزش‌ها و منافع در بین گروه‌های اجتماعی مبتنی است. راه حل مسائل که بر اثر رقابت ارزش‌ها ایجاد می‌شوند می‌تواند شامل مواردی از جمله تضمین اینکه گروه‌های درگیر، عقاید یکدیگر را بشناسند و رفع تفاوت‌ها از طریق مذاکره یا میانجی‌گری یا پذیرفتن این تفاوت‌ها بشود باشد. با این حال نتایج حاصل از کشمکش‌ها اغلب تحت تأثیر قدرت قرار دارند و گروهی که بیشترین قدرت را دارد می‌تواند موقعیت خود برای تأثیرگذاری استفاده کند.

دیدگاه کنش متقابل نمادین برخلاف دو دیدگاه قبل منعکس کننده دیدگاه جامعه‌شناسی خرد است و بر این نکته تأکید دارد که رفتار انسانی تحت تأثیر تعاریف و معانی قرار دارد که در کنش متقابل نمادین با دیگران خلق می‌شود و تداوم می‌یابد. تصویری که ما از خود داریم با مشاهده اینکه دیگران چگونه با ما وارد تعامل می‌شوند و برداشتی از ما دارند ساخته می‌شود.

یکی از نظریه‌های عمده دیدگاه کنش متقابل نمادین درباره مسائل و آسیب‌های اجتماعی نظریه برچسب‌زنی است. این نظریه می‌گوید یک موقعیت یا گروه اجتماعی زمانی مشکل‌ساز به نظر می‌آید که با این عنوان برچسب خورده باشد. بر اساس این نظریه گاهی حل مسائل اجتماعی شامل تغییر معانی و تعاریفی می‌شود که به افراد یا موقعیت‌ها نسبت داده می‌شوند.

براساس دیدگاه‌های مطرح شده در جامعه‌شناسی انحرافات، چارچوب نظری تحقیق به منظور تعریف و شناخت آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران عمدتاً مبتنی بر دیدگاه کارکردگرایی ساختی بوده است. براساس این دیدگاه و تعاریف مختلفی که از آسیب‌های اجتماعی در فنون علمی انجام گرفته است معاونت فرهنگی اجتماعی مبادرت به بازتولید مفهوم آسیب و تهدید اجتماعی کرد تا بتواند براساس این تعاریف و مبتنی بر چارچوب نظری و اطلاعات، تحقیقات و داده‌های موجود به شناخت و احصای آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران بپردازد.

تفاوت دو مفهوم آسیب و تهدید اجتماعی

آسیب اجتماعی زمانی است که امری دارای کژکارکرد باشد و باعث یک نوع بی‌نظمی و عدم تعادل در سیستم اجتماعی شود و بخشی قابل توجهی از جامعه آن را زیان‌بار دانسته و نسبت به رفع آن احساس نیاز کند.

تهدید اجتماعی نه تنها حاصل و باعث یک نوع بی‌نظمی و عدم تعادل در جامعه است، بلکه به دلیل ابعاد، گستردگی، حجم یا بزرگی، شدت، فوریت، پیامدهای کلان، تأثیر بر ساختار اجتماعی، نحوه هزینه و ابزار مهار کردن، در سطحی وسیع‌تر از آسیب قرار دارد و به بی‌ثباتی نظام اجتماعی می‌انجامد.

آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران

براساس تعریف احصا شده توسط معاونت فرهنگی اجتماعی، مطالعات اکتشافی و با جمع‌آوری کلیه داده‌های موجود اعم از تحقیقات، کتاب‌ها، مقالات و نشریات مختلف سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های کشور نظیر نیروی انتظامی، وزارت کشور، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، سازمان بهزیستی و مرکز آمار ایران از طریق روش کتابخانه‌ای اسنادی، ۲۰ موضوع به عنوان عمده‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران شناسایی و سپس با استفاده از روش روندپژوهی داده‌های موجود و تحلیل ثانویه اطلاعات حاصل از مطالعه اکتشافی به شناخت شرایط فعلی تک تک موضوعات و در صورت موجود بودن آمارها و اطلاعات موثق به روند آینده آنها، بررسی علت‌های عمده به وجود آورنده این آسیب‌ها و تهدیدات، پیامدهای وجود و گسترده شدن دامنه آنها و در نهایت پیشنهادات و راهبردهای کنترل و به تعدیل درآوردن آن پرداخته شده است.

موضوعات احصا شده شامل موارد ذیل است:

- ۱- بیکاری
- ۲- قاچاق انسان
- ۳- تمایز نسلی
- ۴- فاصله طبقاتی، نابرابری اجتماعی و فقر
- ۵- وندالیسم
- ۶- بحران هویت (تضاد سنت و مدرنیسم)
- ۷- روسپیگری و جرائم جنسی
- ۸- خودکشی
- ۹- کودکان خیابانی و کار
- ۱۰- بوروکراسی ناکارآمد (فساد مالی و اداری، کلاهبرداری، رشوه و ارتشا، پارتی بازی)
- ۱۱- مهاجرت روستا به شهر و حاشیه نشینی

۱۲- فرار مغزها

۱۳- طلاق

۱۴- آلودگی‌های زیست محیطی، تخریب جنگل‌ها و منابع طبیعی

۱۵- فرسایش سرمایه اجتماعی

۱۶- ایدز

۱۷- زنان و دختران فراری

۱۸- خشونت و آزار زنان

۱۹- اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر

۲۰- افزایش جمعیت

چگونگی تفکیک آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران

پس از تعیین عمده‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران ملاک‌هایی برای تفکیک آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران به منظور اولویت‌بندی دقیق آنها جهت برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی‌های مناسب با توجه به منابع مادی و غیر مادی انجام گرفت. احصای این معیارها از طریق برگزاری نشست تخصصی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران در دو نوبت و اجماع نظرات اساتید، کارشناسان آسیب‌های اجتماعی و مدیران اجرایی کشور و مطالعات اکتشافی انجام گرفت.

عمده‌ترین معیارهای تفکیک آسیب از تهدید اجتماعی شامل موارد زیر است:

- ابعاد مسئله
- گستردگی مسئله
- حجم یا بزرگی مسئله
- شدت مسئله
- فوریت مسئله
- پیامدهای کلان مسئله
- تأثیر مسئله بر ساختارهای اجتماعی
- هزینه مهار مسأله

- ابزار مهار مسئله

- علت‌العلل بودن مسئله

براساس این معیارها از ۲۰ موضوع تعیین شده ۱۴ عنوان خودکشی، وندالیسم، تمایز نسلی، قاچاق انسان، طلاق، افزایش جمعیت، بحران هویت، روسپیگری و جرائم جنسی، ایدز، آلودگی‌های زیست محیطی، خشونت علیه زنان و کودکان، زنان و دختران فراری، کودکان خیابانی، کار و مهاجرت روستا به شهر و حاشیه نشینی از عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی و ۶ عنوان فرار مغزها، بوروکراسی ناکارآمد، بیکاری، شکاف طبقاتی، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی و فقر، فرسایش سرمایه اجتماعی و اعتیاد از عمده‌ترین تهدیدات اجتماعی مترتب بر جامعه ایران بوده است.

اولویت‌بندی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران در دهه آتی

پس از تفکیک آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی و اجماع کارشناسان و متخصصین از طریق روش دلفی (آینده‌نگری) و گروه‌های کانونی (نشست تخصصی) به اولویت‌بندی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی دهه آتی ایران پرداخته شد.

به منظور اجرای روش دلفی پرسشنامه‌ای طراحی گردید و در سه مرحله به جامعه آماری مورد نظر برای کسب اطلاعات و اجماع نظر آنها ارجاع داده شد. استخراج داده‌های حاصل از دلفی از طریق نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

پس از تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ها و همچنین برگزاری ۲ نشست تخصصی به منظور اولویت‌بندی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران نتایج زیر حاصل شد. از میان ۲۰ محور احصا شده از آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران به ترتیب اولویت عبارتند از:

- بیکاری ۸۴/۸ درصد

- بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی ۸۱/۸ درصد

- فرسایش سرمایه اجتماعی ۷۴/۲ درصد

- اعتیاد ۷۲/۷ درصد

- فقر ۶۹/۷ درصد

- فرار مغزها ۶۷/۷ درصد

- بوروکراسی ناکارآمد ۶۵/۶ درصد

- فاصله طبقاتی و فساد مالی و اداری هر کدام ۶۳/۶ درصد

- فقدان وجدان و تعهد کاری ۵۹/۴ درصد

- افزایش جمعیت ۵۸/۶ درصد

- بحران هویت ۵۵/۲ درصد

- حاشیه نشینی ۳۷/۵ درصد
- پارتهی بازی ۳۳/۳ درصد
- ایدز ۳۰/۳ درصد
- مهاجرت روستا به شهر ۳۰ درصد
- تمایزات نسلی ۲۷/۶ درصد

طلاق، خشونت علیه زنان، دختران فراری، قاچاق انسان، روسپیگری و جرایم جنسی، وندالیسم، خودکشی، کودکان خیابانی و کار با درصدهای کمتر از جمله آسیب‌های دارای اولویت بعدی بوده‌اند که در دهه آتی مترتب جامعه ایران خواهد بود و برای این منظور باید استراتژی‌های دقیقی برای کنترل و به تعدیل درآوردن آن اتخاذ کرد.

راهبردها و تدبیرها

- تدوین استراتژی‌های بلندمدت و میان مدت جهت ایجاد فرصت‌های شغلی و تعدیل نرخ بیکاری.
- رشد و توسعه اقتصادی با هدف کاهش نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی و رفع بی عدالتی اجتماعی.
- مقابله با فساد مالی و اداری در کلیه سطوح.
- تدوین استراتژی بلند، میان و کوتاه مدت به منظور ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی جامعه و هشدار نسبت به پیامدهای خطرناک اعتیاد و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از این پدیده شوم.
- استفاده حداکثری از ظرفیت‌های صدا و سیما جهت آموزش عمومی به منظور افزایش آگاهی اجتماعی و جلوگیری از گسترش موج ناهنجاری‌هایی از قبیل راه‌های انتقال ایدز - پیامدهای رفتارهای پرخطر نظیر جرائم جنسی - خشونت علیه زنان و کودکان...
- آموزش اجباری مهارت‌های زندگی در مدرسه و دانشگاه جهت آشنایی صحیح دختران و پسران از نقش‌ها و مسئولیت‌ها و مهارت‌های زیستی
- افزایش سطح آگاهی‌های عمومی در مورد مسئله همسرگزینی با هدف کاهش سطح طلاق و سایر ناهنجاری‌های مربوطه
- برنامه‌ریزی نهادهای فرهنگی و اجتماعی و رسانه‌ها جهت کاهش سطح احساس محرومیت، ناامنی و بی‌عدالتی اجتماعی

- تدوین استراتژی کلان و برنامه‌ریزی مدون توسط دولت و نهادهای ذی‌ربط جهت کاهش فرار مغزها
- ارتقای سرمایه اجتماعی از طریق نهادهای ذی‌ربط خصوصاً افزایش سطح کارآمدی دولت (وجدان کار - روحیه تعاون - همیاری - نوع دوستی و ...) و گسترش نهادهای مدنی در حوزه‌های مختلف و نهادمند کردن هنجارها و ارزش‌ها بخصوص ارزش‌های دینی در سطوح خرد، میانه و کلان.
- مقابله جدی با پدیده وندالیسم و نهیلیسم در حوزه اجتماعی
- تدوین استراتژی بلند، میان و کوتاه مدت به منظور کاهش آلودگی‌های زیست محیطی
- تدوین استراتژی کلان و برنامه‌ریزی مدون به منظور پیش‌گیری از مهاجرت فزاینده روستاییان به شهرها و حاشیه نشینی
- ایجاد ساز و کار تأمین اجتماعی برای حمایت از زنان سرپرست خانوار، زنان بدون سرپرست و دختران فراری
- تدوین الگوی استراتژیک جهت جامعه‌پذیری صحیح افراد و ایجاد هماهنگی و تعادل میان اهم منابع جامعه‌پذیری افراد اعم از خانواده، مدرسه، اجتماع و رسانه‌های گروهی به منظور ایجاد آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی مناسب برای افراد جامعه.
- کم کردن سرعت تحولات اجتماعی و قوت بخشیدن به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه ایران با توجه به شرایط جهانی شدن و ارزش‌های اصیل اسلامی و ایرانی.
- ایجاد فضای گفتمانی در سطح نهادهای مدرسه و حتی میان گروه‌های دارای قدرت به منظور تقویت روحیه نقدپذیری و بالابردن مهارت‌های گفتمانی، احترام و به رسمیت شناختن عقاید دیگران.
- بازتولید و احصا و تغییر معانی و تعاریف از موقعیت‌های مختلف آسیب‌زا و تهدیدزا در جامعه ایران با توجه به تغییرات ساختاری در درون جامعه و تغییرات بین‌المللی و جهانی.